

### ● یعنی روزی می شود؟

وقتی از حرم و خطاطی در آستانه ملانک پاسبان رضوی صحبت می کند، به وجود می آید: این راحالت چشم ها و حرکت دستانش می توان فهمید. او کاربرای امام رضا<sup>(ع)</sup> را دوست دارد و تاهیمین جامه شاکر خداست که موردو توجه امام رئوف<sup>(ع)</sup> بوده است. البته شاید بعضی وقت ها با خودش فکر کرده است که چه خوب می شود که کارهای امام رضایی اش از دیوار نمایشگاه ها و پوستر جشنواره هابه فاصله نزدیک تری تارو پنه منوره برسد. وقتی این موضوع را با جویا می شویم، پاسخ می دهد: یعنی روزی می شود؟ قطعاً اگر روزی من به آن درجه از توانمندی و سعادت برسم که خطم در گوش ای از حرم مطهر قرار بگیرد. برایم افتخاری است: به این آرزو زندگی فکر کرده ام.

سمیه خانم ادامه می دهد: اگر روزی این توفیق حاصل شود، همه جوره استقبال می کنم و حال خوبی است برایم و فکر می کنم این اثر هرچه به رو پنه منوره نزدیک تر پاشد. خوشحال تر می کنم.

### خطوط ماندگار در حرم، نشانه لیاقت است

آثار خوش نویسی در بارگاه منور رضوی حکم گنجینه را دارد. از خط ثلث با سنت قم بر زاد دوره تیموری بر طاق مسجد گوهرشاد گرفته تا خط ماندگار علی ضعیف اسی که در دوره صفوی برایان صحن عتیق نشسته است. این روال در قرن های بعدی هم ادامه یافته و آثار نستعلیق و ثلث از خود ضریح تاریخ صحن ها و گنبد چشم نوازی می کنند. این آثار الهام بخش ذهن و فکر ناطقی در مسیر خلق خوش نویسی های زیباییش بوده اند. او می گوید: از زمانی که متوجه علاقه ام به خوش نویسی شدم، حضور هم در حرم شکل متفاوت داشت. وقتی به حرم رفتم کمی از حال معنوی و زیارت که فاصله می گرفتم، همه حواس پرت خطوط و کتیبه های حرم می شد.

اوادامه می دهد: چند سالی است استاد توکلی زاده از بین مارفته اند. اما کنیه های ایشان در پنه منوره هنوز بیهودگار ماندگار است. یا خطوط آقای مهدی زاده روی در راه چوبی بزرگ همیشه توجه من را جلب می کند. به نظر من، این ماندگاری آن هم در حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> اتفاقی نیست. هم خلوص فردانشان می دهد هم لیاقت شر.

### جواب سؤال‌الله را گرفتم

سمیه ناطقی که پر شمار آثار خطاطی دارد و بخشی از کارش را برخوشنویسی آثار امام رضایی معطوف کرده است، حساب و کتاب کارش را ب امام رضا<sup>(ع)</sup> را می داند. اوسلطان سرپر ارتضاء را نورو روشنایی شهر بهشت می داند. نوری که به قلم نی و صفحه گلاسه کار او هم در این سال هاتاییده و این بانوی هنرمند ردنیای هنر رضوی قدم گذاشته است. او می گوید: خطاطی من برای امام رضا<sup>(ع)</sup> برای پاسخ به یک سؤال در درون خودم بوده است. همیشه وقتی به حرم می رفتم و آن عظمت و شکوه رامی دیدم. به خودم می گفت من برای امام رضا<sup>(ع)</sup> چه کاری کرده ام؟ یک نوع شرمندگی شخصی داشتم. با خودم می گفتم، یکی با وقفش، یکی با نذرش و دیگری با خادم بودنش به امام رضا<sup>(ع)</sup> عرض ارادت می کند. ولی من چیزی برای اینکه این قسم هاربردارم نداشم. اراده منم می دهد: در این سال ها که در جشنواره هاش رشت می کنم و کارهای امام رضایی من دیده می شود. احساس می کنم به بخشی از این سؤال پاسخ داده ام.

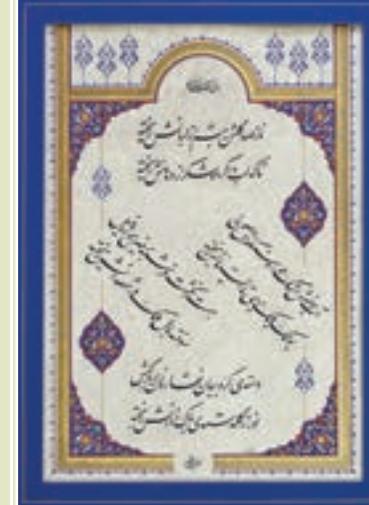
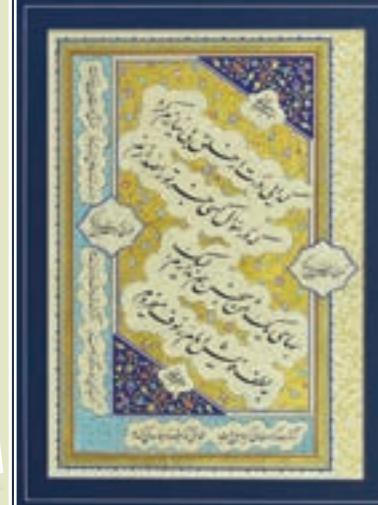
### ● به نه، دیگران، نه، گفتم!

خطاط حاذق شهرمان در این سال ها ب اکارهای امام رضایی اش توجه استادان و هنرمندان این حوزه را جلب کرده است. البته که خودش می گوید نبال توجه و مقام و جایزه نبوده اما با رها تشویق شده و حال خوبی هم پیدا کرده است. واکنش های منفی و روزی گردانی ازاوه هنرمند نیز اثری بر تضمیماتش نداشته است. تعريف می کند: متسافانه برخی دوستان و آشنا یان از زوایای دیگری به هنر و اعتقادات جامعه نگاه می کنند که این نگرش ماحصل چند قطبی شدن جامعه است. در همین زمان هایی که من آثارم را برای عرض ادب به محضر امام هشتم آماده می کرم، افرادی بودند که به من می گفتند امروز جامعه و فضای هنر این آثار را فراتر مذهبی رانی پسند دو به نوعی من را زاین کارهای هنری بازمی داشتم. اما جواب من هم نه بود! او می گوید: کارمن برای امام رضا<sup>(ع)</sup> یک کاردلی بود و براهم اهمیتی نداشت که دیگران چه فکر و قضاؤتی درباره من و هنرمنم دارند.

### زیابود ولی خواندن سخت بود

از اولین خوش نویسی امام رضایی سميي خانم برای درباره ولایت مدار رضوی بیست سالی می گذرد. اما شاید مهر صحن و سرای سراسر نور امام هشتم، خیلی دورتر و از دوران کودکی سميي خانم به دلش نشسته باشد. شاید از همان روزهای که معلم کلاس پنجمش آن هارا تشویق به خواندن خطاطی ها و کنیه های حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> می کرد. اور وصف آن خاطره می گوید: آقای عباسی، معلم خوب و دغدغه مندی بود؛ به مامی گفت «هر کسی به حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> برود و نوشته های دور ضریح را بخواند پیش من جایزه دارد».

سمیه خانم این طور ادامه می دهد: من که از همان زمان خطاطی و خط خوش را دوست داشتم، با پدرم به حرم رفتم و به سختی لایه لای جمعیت. خودم را به ضریح می رساندم و به متن هانگاه می کرم. خیلی زیابود ولی خواندن سخت بود. یادم است در حد تک کلمه می فهمید مولی نمی توانستم جمله یا بیت کاملی را بخوانم. همان زمان متوجه می شدم که با یک اثر هنری ارزشمند مواجه شده ام.



شنیدم صدای آدم هایی می آید که سميي ناطقی را صدا می زند. یک نفر من را میان جمعیت کشید و هل دادست. تابلویم ایشان به من گفتند: «این کار اثراش ماست؟» نگاه کردم دیدم خط من است. آقای امیر خانی اول به شو خی گفتند «این چه خطی است؟ چرا این قدر مردانه نوشته ای؟» من ترسیدم که خیلی بد نوشته ام. یک باره همه خندیدند و کلی از کار تعریف کردند که انرژی مشتبی بود برای ادامه راهنم.

بیت به ذهنم رسید و همان را بعد از چند بار تمرين روی صفحه آوردم. دادم برای تذهیب و به دیرخانه نمایشگاه فرستادم. او تعریف می کند: روزی که قرار شد اساتید خوش نویس و در رأس آن ها استاد امیر خانی از آثار بارز دید کنند. من هم به نمایشگاه بین المللی رفتم. هر کسی اساتید را به سمت اثر خودش می برد و کار خود را معرفی می کرد. لایه لای شلوغی جمعیت اسلامی تو انسنم به آن هانزدیک شوم. ناگهان

### جان به قربان تو شاه اکه حج فقرایی

«اغنیام که روندو فقر اسست تو آیند/ جان به قربان تو شاه که حج فقرایی». سميي ناطقی و قتنی برای اولین بار تضمیم گرفت اثری را به یک برنامه امام رضایی ارائه کند. بالاین بیت شروع کرد: بیتی که از نوجوانی ملکه ذهن شده بود. او می گوید: سال ۱۳۸۲ فرخوان نمایشگاهی با عنوان آثار خوش نویسی با موضوع هنر رضوی را دیدم. بلا فاصله این

